

در پی پیدایش سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) در سال ۱۹۶۰^۱، سازمان اوپک در نقش یک بازیگر جهان سومی، رویاروی با کارتل‌های بین‌المللی نفت و کشورهای صنعتی، فراز و نشیب‌های چندی را پشت سر نهاده است. دوران آمادگی برای جهش این سازمان یعنی سالهای دهه ۶۰ میلادی، دوران فرازیایی (سالهای دهه ۷۰ میلادی) و دوران اوج و شکوفایی (سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۱) و نهایتاً برشگاهی که از سال ۱۹۸۱ تا کنون ادامه داشته است، مقاطعی متفاوت از کارکردهای اوپک و سیاستهای این سازمان را جلوه‌گر می‌نماید.

اوپک در دهه ۷۰ میلادی توان تولید بیش از ۶۰ درصد تولید جهان را داشت و سالهای ۱۹۷۴ تا ۱۹۷۹ اوج این روند بود.^۲ لیکن از دهه ۸۰ به تدریج، توان تولید خود را به سود دیگر بازیگران جهانی از کف داده است. به گونه‌ای که در سال ۱۹۸۱ حدود ۴۰ درصد، در سال ۱۹۸۷ حدود ۳۰ درصد و اکنون نیز حدود ۴۰ درصد نفت خام دنیا را تولید می‌نماید.

هرگاه بپذیریم که پایداری اوپک در شرایط بحرانی به اثبات می‌رسد، شناسایی عناصری که دلیل فراز و نشیبهای اوپک بوده است، آشکارکننده این حقیقت است که اوپک بدون اندیشیدن به این متغیرها، به بالندگی نخواهد رسید. اینک اوپک در حالی که ۵۵ درصد نفت خام عرضه شده جهان را داراست و بر مبنای پیش‌بینی‌هایش، تقاضای جهانی نفت تا سال ۲۰۲۰ از مرز یکصد میلیون بشکه خواهد گذشت^۳؛ تقاضای گاز جهانی تا همین زمان به

میزان ۳,۱۲۰ میلیون تن خواهد رسید (سهم ۵۰ درصدی یا تولید حدود ۵۰ میلیون بشکه نفت خام در روز یعنی معادل دو برابر تولید کنونی^۴) لیکن از همان دوران نشیب، متغیرهای درون و برون از اوپک به سازمان یورش برده اند تا دوران اوج و شکوفایی سازمان تکرار نشود. متغیرهای درونی مؤثر این دوران می توانند عواملی مانند: اعطاء تخفیف در دادوستد نفتی، افزایش معاملات تک محموله ای، افزایش فروش نفت به شیوه پایاپای، افزایش صدور گاز، ضعف تکنولوژی اعضاء، بی ثباتی سیاسی کشورهای عضو، ناهمگونی ساختارهای سیاسی-حقوقی، توسعه نیافتگی سیاسی کشورهای عضو و تعارض ایدئولوژیک باشند.

متغیرهای برونی مؤثر نیز عبارتند از: سیاست آژانس بین المللی انرژی، سیاستهای نفتی ایالات متحده آمریکا، سیاستهای نفتی کشورهای عضو اتحاد جماهیر شوروی سابق، سیاستهای نفتی چین کمونیست، سیاستهای نفتی نروژ و بریتانیا، نقش کارتل ها در سیاست جهانی نفت و نقش دول نفت خیز در حال توسعه بیرون از اوپک.^۵

اینک اوپک ۷۷ درصد کانسارهای نفت خام دنیا را داراست^۶؛ و ۴۲ درصد ذخائر گاز اثبات شده را در پهنه خود دارد. به ویژه آنکه هموندان خاورمیانه ای اوپک ۲,۳۳ درصد از میزان ذخائر بالا (یعنی حدود ۵۰,۳۳۵ میلیارد متر مکعب)^۷ را به خود اختصاص داده اند. تنها هموردان اوپک کشورهای آسیای میانه می باشند؛ که از اهمیت سوق الجیشی مناسب^۸ بی بهره اند؛ از همین روی اوپک بالقوه می تواند در کوتاه یا دراز مدت به عنوان بازیگر نفتی در جایگاه مناسب تری قرار گیرد.

روند رویدادهای دهه ۹۰ گویای اخبار گوناگونی است. گرچه آغاز دهه ۹۰ و همزمان شدن پرمسمنهای نفت با مسائل خلیج فارس در ۱۹۹۰ (کاهش تولید ۳ میلیونی نفت)، بهای نفت را به سرعت افزایش داد، لیکن افزایش تولید اوپک آن را به بهای منطقی رسانید. لیکن روند نشیبی بها ادامه یافت تا این که در سال ۱۹۹۲ به ۱۳,۲۹ دلار کاهش یافت. اوپک تولید خود را تا سال ۱۹۹۷ حدوداً ثابت نگاه داشت. در نوامبر ۱۹۹۷ در جاکارتای اندونزی هموندان اوپک طی نشستی بر آن شدند که تولید خود را در اوایل سال ۱۹۹۸ به ۲۵ میلیون بشکه برسانند. لیکن با توجه به متغیرهایی مانند زمستان بسیار گرم

آسیا و مذاکرات عراق برای افزایش تولید، بهای نفت تا ۱۰,۷۵ دلار در هر بشکه کاهش یافت که در دو دهه گذشته بی سابقه بود. در ۳۰ مارس کنفرانس وزیران اوپک، ۱,۲۵ میلیون بشکه از تولیدات این سازمان را کاهش داد؛ اعضای بیرون از اوپک مانند مکزیک، چین، نروژ، روسیه، عمان، یمن، مصر نیز توافق نمودند تا ۴۵۰,۰۰۰ بشکه از تولید خود بکاهند. این تعهدات بی سابقه و نوین ثمره تلاش چهار دهه ای اوپک برای هماهنگ سازی سیاستهای کشورهای تولید کننده نفت بیرون از اوپک با سیاستهای سازمان بود.^۹ در پی این توافق بود که در ۲۴ ژوئن ۱۹۹۸ هموندان اوپک و کشورهای بیرون از اوپک جدول زیر را برای تولید خود از اول ژوئیه ۱۹۹۸ تعیین نمودند که نشانگر کاهش ۲,۶ میلیون بشکه از تولید بود.^{۱۰}

تولید میلیون بشکه	کاهش	پایه	
۸۸۷,۰۰۰	۸۰,۰۰۰	۸۶۸,۰۰۰	الجزایر
۱,۲۸۰,۰۰۰	۱۰۰,۰۰۰	۱,۳۸۰,۰۰۰	اندونزی
۳,۳۱۸,۰۰۰	۳۰۵,۰۰۰	۳,۶۲۳,۰۰۰	جمهوری اسلامی ایران
۱,۹۸۰,۰۰۰	۲۲۵,۰۰۰	۲,۲۰۵,۰۰۰	کویت
۱,۳۲۳,۰۰۰	۱۳۰,۰۰۰	۱,۴۵۳,۰۰۰	لیبی
۲,۰۳۳,۰۰۰	۲۲۵,۰۰۰	۲,۲۵۸,۰۰۰	نیجریه
۶۴۰,۰۰۰	۶۰,۰۰۰	۷۰۰,۰۰۰	قطر
۸,۰۲۲,۰۰۰	۷۲۵,۰۰۰	۸,۷۴۸,۰۰۰	عربستان سعودی
۲,۱۵۷,۰۰۰	۲۲۵,۰۰۰	۲,۳۸۲,۰۰۰	امارات متحده عربی
۲,۸۴۵,۰۰۰	۵۲۵,۰۰۰	۳,۳۷۰,۰۰۰	ونزوئلا

با در نظر داشتن تعهد کشورهای بیرون از اوپک برای کاهش ۵۰۰,۰۰۰ بشکه از تولیداتشان (۲۰۰,۰۰۰ بشکه مکزیک، ۱۰۰,۰۰۰ بشکه فدراسیون روسیه و ۲۰۰,۰۰۰ بشکه عمان و دیگر کشورها) بطور کلی ۳,۱ میلیون بشکه از عرضه جهانی نفت در بازار کاهش یافته است.^{۱۱}

در برشماری عوامل موثر بر روند بهای نفت، عوامل گوناگونی را می توان مدنظر داشت:

این عوامل عبارتند از:

- ۱- میزان تقاضای جهانی و منطقه‌ای نفت و فراورده‌های آن؛
 - ۲- میزان و ظرفیت تولید نفت خام کشورهای عضو و بیرون از اوپک؛
 - ۳- میزان رشد اقتصادی و نرخ تورم در کشورهای عضو OECD و دیگر کشورهای جهان؛
 - ۴- میزان مصرف انرژی جایگزین؛
 - ۵- میزان انباشت و برداشت از ذخائر استراتژیک نفت در کشورهای عضو OECD؛
 - ۶- نوسانات تقاضای فراورده‌های نفتی در فصول مختلف؛
 - ۷- میزان برقراری امنیت، امنیت و موازنه قدرت در مناطق نفتی، بویژه در مناطق استراتژیک؛
 - ۸- نوسانات نرخ مبادله ارزهای متغیر بین المللی؛
 - ۹- اخبار مربوط به سیاستگذاری‌ها و تصمیمات اوپک و آژانس‌های بین‌المللی انرژی IEA؛
 - ۱۰- ساختار بازار و سیستم صادراتی و مبادلاتی نفت؛
 - ۱۱- بنیانهای اساسی در سیاست بین‌الملل؛
 - ۱۲- عوامل زیست محیطی؛
 - ۱۳- میزان مالیات بر واردات نفت خام و فراورده‌های نفتی در کشورهای مصرف‌کننده؛
 - ۱۴- هزینه‌های مربوط به سرمایه‌گذاری در امور مربوط به تولید، حفظ و افزایش ظرفیت تولید نفت خام و هزینه‌های حمل و نقل؛^{۱۲}
- در این نوشتار تلاش بر این است که سهم دو متغیر عوامل زیست محیطی و مالیات بر واردات نفت خام و فراورده‌های نفتی در کشورهای مصرف‌کننده و سرانجام پیامد این دو متغیر در سرمایه‌گذاری بررسی شود.

اجلاس ریو^{۱۲} و استراتژی اقدام یوکوهاما

بیانیه ریو که از ۱۴-۳ ژوئن ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو برگزار شد با تأکید بر «بیانیه کنفرانس سازمان ملل متحد پیرامون محیط زیست» که در تاریخ ۱۶ ژوئن در شهر استکهلم مورد تصویب قرار گرفت، در ماده ۲ بیانیه «پیرامون محیط زیست و توسعه» آمده است: «بنابر منشور سازمان ملل متحد و اصول و قوانین بین‌المللی، کشورها از حق حاکمیت برای بهره‌برداری از منابع خود در راستای سیاستهای توسعه‌ای و محیط زیستی خود برخوردارند و مسئول اند یقین حاصل نمایند که این‌گونه فعالیتها که در قلمرو یا در مناطق تحت کنترل ایشان صورت می‌گیرد باعث صدمه به محیط زیست سایر کشورها یا مناطق خارج از قلمرو ملی شان نمی‌شود».

اصل ۷ بیانیه ریو کشورهای صنعتی را نسبت به محیط زیست و پیامدهای آن متعهدتر می‌داند. در این اصل آمده است: «... کشورهای توسعه یافته با توجه به لطماتی که جوامع آنها بر محیط زیست جهانی وارد نموده‌اند و نیز با توجه به تکنولوژی‌ها و منابع مالی که در اختیار دارند مسئولیت خویش را در رابطه با تلاش جهانی برای توسعه پایدار اذعان و تأیید می‌نمایند».^{۱۴}

چنین تصمیماتی در «برنامه کار ۲۱ منشوری برای آینده»^{۱۵}، کنفرانس سوم دگرگونی جو (COP 3) در چارچوب سازمان ملل و عهدنامه پیرامون دگرگونی آب و هوا (Fccc) در کیوتو ژاپن^{۱۶} (دسامبر ۱۹۹۷)، دنبال شد. پیامد این سیاستها، افزایش مالیات بر کربن بود؛ چرا که کشورهای بزرگ صنعتی جهان در زمینه کاهش انتشار دی‌اکسید کربن به توافق رسیدند.

پیش‌بینی‌های اوپک بر این است که تا سال ۲۰۱۰ کشورهای OECD مالیات بر کربن را تا ۳۰۰ دلار در هر تن خواهند پذیرفت. لذا تا سال ۲۰۱۰ اوپک حدود ۱۸۰ میلیارد دلار و تا سال ۲۰۲۰ نزدیک به ۶۰۰ میلیارد دلار از درآمدهای خود را دست خواهد داد.^{۱۷}

هرگاه چنین برآوردی به حقیقت رسد؛ نه تنها بر اقتصاد کشورهای عضو اوپک بلکه بر اقتصاد کشورهایی که به هموندان اوپک کالا و خدمات صادر می‌کنند، نیز تأثیر

خواهد گذاشت. کمبود منابع مالی اوپک، باعث کاهش توان و قدرت اوپک در زمینه افزایش تولید آن خواهد بود. شیوه‌ای که کشورهای صنعتی قدرتمند در پیش گرفته‌اند، امنیت عرضه نفت را در دهه‌های آینده به خطر می‌اندازد.^{۱۸}

بنابراین منافع مصرف‌کنندگان نفت جهان در گرو تضمین امنیت عرضه نفت می‌باشد. این مسئولیتی مشترک است که بر دوش تولیدکنندگان نفت قرار گرفته است. اگر ضروری است که با کاهش انتشار دی‌اکسید کربن از افزایش دمای کره زمین جلوگیری شود و به عبارت روشن‌تر بدین شیوه مانع افزایش یکی از پر شمارترین گازهای گلخانه‌ای شویم، پرمسمن کاهش درآمد کشورهای تولیدکننده نفت و راههای جبران آن نیز می‌بایستی بررسی گردد.^{۱۹}

در اجلاس زمین‌ریو و هم‌پروتکل کیوتو کشورهای صنعتی نه تنها در قبال کاهش انتشار گازهای دگرگون‌کننده هوا بلکه در قبال بازتاب اقدامات ناشی از این نمونه سیاستها متعهد شده‌اند. به عنوان نمونه کشورهای صنعتی با شیوه‌هایی مانند صندوق ویژه، نوعی بیمه و انتقال تکنولوژی ملزم گشته‌اند به کشورهای تولیدکننده نفت یاری رسانند. این نمونه از نکات قانوناً کشورهای را که پروتکل کیوتو را تصویب نموده‌اند، محدود می‌نماید. همچنین اجرای مقررات را منوط به تصویب ۵۵ کشور می‌داند که مسئول انتشار ۵۵ درصد دی‌اکسید کربن جهان می‌باشند. تنها یکی از هموندان این پروتکل ایالات متحده می‌باشد که در سال ۱۹۹۰، حدود ۲۳ درصد کل دی‌اکسید کربن جهان را منتشر نموده است.^{۲۰}

اوپک در نقش یک سازمان تولیدکننده نفت خواهان دادگری است. اوپک بر این باور است که بر بنیان پروتکل کیوتو، کشورهای صنعتی می‌باید به جبران خسارت کشورهای پیش‌صنعتی نفت خیز مبادرت نمایند. این در حالی است که کشورهای صنعتی قدرتمند بدون در نظر گرفتن نکات یاد شده برای جبران هزینه اقدامات ناشی از کاهش دی‌اکسید کربن مالیاتهای نفتی را به سود خویش افزایش داده‌اند، و بدین ترتیب کشورهای نفت خیز را با پرمسانی نوین روبرو ساخته‌اند.

تا پایان ژوئن ۱۹۹۸، ۴۱ کشور افزون به هموندان جامعه اروپا پروتکل کیوتو را امضاء

نمودند. پروتکل زمانی به اجراء در خواهد آمد که حداقل ۵۵ کشور به آن ملحق شوند. در میان این کشورها عضویت کشورهایایی که در پیوست ۱ میثاق سازمان ملل در مورد آب و هوا (UNFCCC - 1990)^{۲۱} اعلام شده است و به میزان حداقل ۵۵ درصد دی اکسید کربن کل جهان را منتشر می کنند نیز ضروری است. کشورهایایی که تاکنون پروتکل را امضاء نموده اند کمتر از ۴۰ درصد انتشار دهندگان دی اکسید کربن ضمیمه ۱ سال ۱۹۹۰ را شامل می شوند. تصویب نهایی پروتکل نیازمند آن است که کشورهای عضو، تعهدی قانونی نسبت به کاهش گازهای گلخانه ای ارائه دهند. لیکن تاکنون هیچ کشوری عهدنامه را به تصویب نرسانده است. سازمانهای تابعه میثاق سازمان ملل در مورد آب و هوا مشغول تدارک کنفرانس COP 4 در بوئنوس آیرس می باشند. به نظر می رسد تا تصویب پروتکل کیوتو راهی دراز در پیش است.^{۲۲}

در اجلاس مشترک کارگاه آژانس بین المللی انرژی و «نهاد چارچوب مدل بندی انرژی EMF» که در دانشگاه استانفورد کالیفرنیا برگزار شد در رابطه با تبعات سیاستهای محیطی به نتایجی مانند تأثیرات منفی آن بر کشورهای در حال توسعه و درآمد بسیار اندک کشورهای پیشا صنعتی تولید کننده نفت اشاره شده است.

سیاست مالیاتی کشورهای صنعتی

با در نظر داشتن سیاست مالیاتی کشورهای صنعتی در برابر نفت؛ ستمی بزرگ بر کشورهای نفتی تحمیل شده است. درآمدی که کشورهای صادرکننده نفت در قبال صدور نفت خام اکتساب می نمایند؛ کمتر از ۲۰ درصد بهایی است که مصرف کننده نهایی نفت در کشورهای صنعتی می پردازد. بهای فرآورده های نفتی به عبارتی روشن تر ۵ برابر بهای نفت خام می باشد. مالیات اخذ شده در برخی از کشورهای OECD بیش از ۷۰ درصد بهای خرده فروشی نفت می باشد.^{۲۳} در سال ۱۹۹۶، یازده کشور عضو اوپک درآمدی کمتر از درآمد مالیاتی نفتی تنها چهار کشور اروپایی داشته اند. در همین سال کشورهای گروه ۷ (G. 7) به تنهایی ۲۷۰ میلیارد دلار درآمد نفتی ناشی از مالیات نفت به چنگ آوردند. این میزان بیش از

۷۰ درصد درآمد خالص اوپیک از صدور نفت بود.^{۲۴} سیاست مالیات بر انرژی شیوه دادگرانه‌ای نداشته است. اوپیک برآورد نموده است که بر مبنای سیستم مالیاتی کنونی مصرف سال ۲۰۰۰ حدود ۲۰٪ کاهش خواهد داشت. از سوی دیگر ذغال سنگ که سوختی به مراتب آلوده‌تر از نفت می‌باشد، نه شامل سیاستهای مالیاتی شده است و نه برنامه‌ای منظم برای کاهش مصرف آن وجود دارد. اگر بنا باشد مالیات بر مبنای نشانه‌های گازهای گلخانه‌ای اخذ شود؛ سیاست مالیاتی نمی‌بایست جهت دار و فقط در برابر نفت باشد. از سوی دیگر کشورهای صنعتی آلوده‌کننده محیط نیز باید هزینه جبران خسارتی را برای کشورهای پیشا صنعتی (بویژه صادرکننده نفت) در نظر گیرند.^{۲۵} پرمسلمان دیگری که مطرح می‌گردد؛ نقش تکنولوژی نوین در فرایند تولید نفت می‌باشد. گرچه برخی کشورهای بیرون از اوپیک از تکنولوژی نوین در عرصه نفت بهره می‌جویند؛ و فن‌آوریهایی نوین برای حفاری نفت مانند 4D و 3D و نقشه برداری ارتعاشی، دستیابی به کانسارهای سالخورده را تسهیل می‌سازد، لیکن کشورهای عضو و غیرعضو اوپیک برای بهره‌گیری از تکنولوژی نوین نیاز به سرمایه‌گذاری و بهای مناسب‌تر نفت را دارند. برخی از کشورهای بیرون از اوپیک مانند کشورهای دریای شمال با استفاده از متغیرهای مالی مانند کاهش حق الامتیاز، تحرکی نوین بر فرآوری نفت بخشیده‌اند؛ لیکن در بلندمدت هیچ‌یک از این متغیرها کارساز نخواهند بود. چرا که تکنولوژی فرآوری کوتاهی دارد و توسعه‌دهندگان منابع نفتی تنها زمانی به چنین تلاشهایی تن خواهند داد که امتیاز بیشتری را از آن خود نمایند.

به نظر می‌رسد که دلیل بنیانی افزایش مالیات انرژی تنها فزونی درآمدهای مالیاتی است. چرا که کشورهای صنعتی برای تولید و مصرف ذغال سنگ یارانه در نظر گرفته‌اند. این رویه خلاف جهتی است که پروتکل کیوتو و دیگر تمهیدات محیط زیستی در نظر داشته‌اند.

کوتاه سخن این که کشورهای صنعتی با افزایش مالیات بر انرژی هزینه را برای مصرف‌کنندگان افزایش می‌دهند. کشورهای صنعتی با گزینش چنین سیاستی با بهانه قراردادن انتشار کربن، مشکلات خود را به کشورهای پیشا صنعتی منتقل نموده‌اند. این تدبیری منفی است که تقاضا را برای سوخته‌های فسیلی کاهش می‌دهد. با توجه به

ویژگی های اقتصادی کشورهای عضو اوپک که بقاء آنها بر درآمد نفت استوار است؛ اثر منفی چنین سیاستی در این گونه کشورها دردناک تر احساس می شود. بی تردید تاریخ صنعت نفت نشان داده است که این نمونه از تدابیر در بلندمدت به امنیت عرضه نفت آسیب رسانده و امنیت تقاضا را از بین خواهد برد؛ و نهایتاً کشورهای صنعتی در گروه زبان دیدگان خواهند بود.

اگر هدف، کاهش انتشار دی اکسید کربن است؛ بهبود بخشیدن به کارایی سوختهای فسیلی برترین شیوه است و هرگاه این چنین شود نه تنها تولید کنندگان نفت بلکه فرآورده سازان نفتی نیز با شتاب بیشتری در این راه گام بر خواهند داشت. مشاغلی نوین آفریده می شود؛ مهارت های فنی نوین بکار گرفته خواهد شد و در همین پهنه سود جهانی با تدابیری دادگرانه تأمین خواهد شد.

همانگونه که در بیانیه سال ۱۹۶۵ اوپک نیز آمده است:^{۲۶} اوپک شیوه هایی را پی می جوید که ثبات بها را در بازار جهانی نفت با امعان نظر حذف نوسانات غیر ضروری تضمین نماید. شرایط کنونی موقعیت نامناسب بازار تقاضا را برای اوپک ایجاد نموده است. اوپک در راستای حمایت از بازار محدودیت های یک جانبه ای بر خود هموار می کند. سنگینی مسئولیت نگاهبانی از بازار و ثبات آن، نمی بایست تنها بر دوش یک یا چند کشور باشد. این مسئولیت مشترکی است که تولید کنندگان و مصرف کنندگان، شرکتهای چند ملیتی و تمامی تلاشگران نفتی باید بر دوش گیرند.^{۲۷}

الگوهای سرمایه گذاری

سرمایه گذاری نفت، افسانه ای دیر آشناست. چرا که برخی از اعضای اوپک بویژه در خاورمیانه و شمال آفریقا دارای محدودیتهای بنیانی در سرمایه گذاری کانسارهای نفتی خود می باشند. از آنجا که سرمایه گذاران نفتی به انگیزه ای جز محرکهای مالی و بازگشت سرمایه خویش نمی اندیشند، در چنین بازار آشفته ای سرمایه گذاری خطری بسیار دارد. گرچه با توجه به حجم گسترده ذخائر کانسارهای اوپک گرایش این سرمایه گذارها به سوی اوپک

خواهد بود. نباید از نظر دور داشت که محدودیت‌های جاری در سرمایه‌گذاریهای نفتی بویژه در اوپک در درازمدت تهدیدی برای امنیت عرضه جهانی نفت است.

یکی از بنیانی‌ترین دلایل گرایش سرمایه‌گذاریها در سرزمینهای اوپک، امتیازات جغرافیایی و برتری ذخائر و عمر کانسارهای نفتی آنهاست. عمر ذخائر اوپک در سال ۱۹۹۶ حدود ۸۹ سال محاسبه شده است؛ در حالی که این رقم برای کشورهای بیرون از اوپک ۱۸ سال می‌باشد. گرچه تولیدکنندگان بیرون از اوپک به آلاسکا، دریای شمال، آتلانتیک و پروژه‌های ژرف اقیانوسی می‌اندیشند؛ لیکن تصور این نکته که این مناطق بتوانند، زمانی ۶۰ درصد تقاضای جهانی را برطرف سازند، ناممکن است.

جایگاه اوپک در سناریوی جاری

اوپک تنها به نقشی که در اساسنامه دارد می‌اندیشد.^{۲۸} هموندان اوپک تنها در پی برقراری یک بهای منطقی می‌باشند. این بها سود مناسب برای سرمایه‌گذاریها در صنعت نفت را نیز در نظر دارد. اوپک زمانی به نقشی پایدار خواهد رسید که به تولیدی مناسب دسترسی یابد. پس شرایط جدید متغیرهایی تهدیدکننده برای اوپک بوده است. در چنین شرایطی اوپک به مذاکره با تولیدکنندگان پرداخته است. اوپک نه تنها نگران خود بلکه نگران امنیت عرضه انرژی و رشد اقتصادی جهان است. اوپک در پرسمان‌های محیطی با دیگر کشورهای جهانی به تفاهم و همدلی نشسته است.^{۲۹} اعضای اوپک نیز به مشکلات محیط زیستی می‌اندیشند. اقداماتی مانند ایمن‌سازی تانکرهای نفتی، صرفه‌جویی در سوخت گاز، بهبود پاکسازی، کارا تر نمودن فرآوری تولیدات نفتی... از این نمونه تلاشهای محیطی است. اوپک رویدادها را پی می‌جوید و تلاش دارد پاسخی مناسب در راستای پایداری و بهبودی شرایط بازار داشته باشد. اوپک سیاستهای کنونی کشورهای صنعتی را غیر منطقی دانسته و باور دارد که این تدابیر در بلندمدت نه تنها غیر قابل اجرا بلکه مخالف منافع جهانی می‌باشد.^{۳۰} □

پاورقی ها:

۱. برای مطالعه گسترده تر. ش. به:
ناصر فرشادگهر، بررسی قدرت اوپک در سیاست جهانی نفت، (تهران: دانشگاه امام حسین، ۱۳۷۴) ص ۵۷-۵۶.
۲. به منظور مطالعه نقش اوپک در گسترش وابستگی نفتی در سالهای ۱۹۷۰ میلادی، رجوع کنید به:
Nazli Choucri, *International Politics of Energy Interdependence*, (Mass: Lexington Books, 1977), P. 10.
3. Shokri Ghanem "The Role and Impact of OPEC's market share", *OPEC Bulletin*, Vol. XXIX, No 6 (June 1998), P. 4.
4. Ibid, p. 5.
۵. برای پژوهش گسترده تر در این مورد، ر. ش. به:
فرشادگهر، پیشین، ص ۲۰۵-۸۴.
6. *Facts and Figures up to 1996*, (Vienna: 1997), G 13 & 14.
7. Naji Abi - Aad, "Natural Gas in the Middle East". *OPEC Bulletin* Vol. XXXIX, No. 6 (June 1998), PP. 8 - 9.
۸. در پیوند با جغرافیای انرژی و امنیت نفت، ر. ش. به:
حسین صادقی، «جغرافیای انرژی و برخی ملاحظات امنیت ملی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال یازدهم (مهر و آبانماه ۱۳۷۵). و نیز دانیل یرگین، «امنیت انرژی در دهه ۱۹۹۰»، (مرداد-شهریور ۱۳۶۸)، سال سوم، شماره هشتم.
9. Rail wanu Lukman, "OPEC Measures for Stabilizing the Oil Market", *OPEC Bulletin*, Vol. XXIX, No. 5, (May 1998), PP. 4 - 6.
10. *OPEC Bulletin*, Vol XXIX, No 7 (June 1998), P. 7.
۱۱. برای پژوهش گسترده به نوشتار زیر مراجعه شود:
Annual Report 1997, (Vienna: OPEC Publications, 1998), P. 18.
۱۲. بهروز پورسینا، «نوسانات قیمت نفت و برآیند نیروهای بازار در تجارت جدید نفت»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، سال دهم، شماره یکم و دوم، (مهر و آبانماه ۱۳۷۴)، ص ۱۰۱-۹۰.
13. Rio Earth Summit, 1992.
۱۴. بیانیه ریو پیرامون محیط زیست بین المللی، (تهران: انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۶)، ص ۲-۱.
۱۵. برنامه کار منشوری برای آینده، (تهران: انتشارات وزارت خارجه، ۱۳۷۶)، ص ۹-۸.
16. Kyoto Protocol, 1997.
17. Shokri Ghanem, *op. cit*, p. 4.
۱۸. برای پژوهش پیرامون پیامدهای کاهش و افزایش عرضه نفت در بازار جهانی ر. ش. به:
* A. Lieber, "Oil and Power after [Persian]Gulf war", *International Security*, Vol. 17, NO. 1, 1992.
۱۹. در سپتامبر ۱۹۸۸ «همایش جهانی تغییر آب و هوا» در توکیو ژاپن بر پا گردید. در این کنفرانس که با حضور ۲۰ کشور صنعتی و در حال توسعه تشکیل شد، کارشناسان محیط زیست اعلام کردند که گازهای گلخانه ای از جمله دی اکسید کربن علاوه بر آلوده کردن محیط زیست دمای کره زمین را افزایش می دهد. آمار نشان می دهد که آمریکا در سال ۱۹۹۵ با تولید ۲۲ میلیارد تن گاز دی اکسید کربن، درصدر کشورهای آلوده کننده هوا می باشد.

به نقل از: روزنامه همشهری، سال ششم، شماره ۱۶۴۷ (۳۰ شهریور ۱۳۷۷)، ص ۳.

20. Shokri Ghanem. *op. cit.*, p. 5.
21. United Nations Framework Convention on Climate Change.
22. "More Nations Sign The Kyoto Protocole but Ratification Some Way off" *OPEC Bulletin*, No. 8 (Aug. 1998). p. 8.
23. Joint Meeting of International Energy Workshop and Energy Modelling From. *OPEC Bulletin*, Vol. XXIX. No. 8 (August 1998). p. 8.
24. Shokri Ghanem. *op. cit.*, p. 5.
25. "OPEC secures Solid Agreement to Lift market prices, a low price regime would not benefit the oil Industry". *OPEC Bulletin*, Vol. XXIV, No. 6 (June 1998). p. 4 - 7.
26. ر. ش به فرشاد گهر، پیشین، ص ۵۷.
27. Foroug U. Mohammad. "Oil and the Role of PR and Information in Current Scene", *OPEC Bulletin*, Vol. XXIX, No. 3 (March 1998), p. 9.
28. اساسنامه اوپک، (وین: دبیرخانه اوپک، ۱۹۸۵).
29. "Producer - Consumer conference is timely, Dialogue Should Lead to action", *OPEC Bulletin*, Vol. XXIX, No. 9 (Sep. 1998), p. 3.
30. به منظور مطالعه گسترده تر، ر. ش به
- Rail wanu Lukman "Oil Producing countries in a world dominated by markets and competition", *OPEC Bulletin*, Vol XXIX, No. 9 (Sep. 1998), pp. 4 - 6.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی